

# نمایش کوتاه مذهبی

## (( ناموس ))

صحنه: چند شاگرد سر کلاس صندلی نشسته اند و استاد وارد می شود و شاگردان صلوات می فرستند.

استاد: بفرمایین بفرمایین - بر جای خود می نشینید و می گوید: خب سلام علیکم - بسم ... الرحمن الرحیم و به نستعین - صبح خوبی را شروع خواهیم کرد.

شاگردان: انشا... استاد.

استاد: بله انشا... نکته اخلاقی براتون کنار گذاشته ام که البته خودم بیشتر باید استفاده کنم تحت عنوان مرنج و مرنجان ... بله آقایان مرنج و مرنجان.

شاگرد اول: استاد جلسه قبل بحث ناموس تمام نشده رها شد.

استاد: بله بله درسته ... خب اول ناموس رو به اتمام برسانیم یعنی به جایی برسانیم بعداً وارد قصه شیرین مرنج و مرنجان ... کجای کار بودیم که وقت تمام شد؟

شاگرد دوم: استاد پسری خدمت رسول خدا رسید و گفت که می خواهد برود سراغ زنا یعنی عمل زنا انجام دهد.

استاد: بله به اینجا رسیدیم.

شاگرد اول: استاد ظاهراً می خواست به سخره بگیرد و دیگران را به خنده وا دارد.

استاد: نه نه واقعاً جدی می گفت که می خواهد زنا کند - رسول خدا (ص) گفت اگر کسی با ناموس تو این کار را کند راضی هستی میشوی؟ مراد از مطرح کردن حدیث نبوی این است که هر کاری نتیجه اش به خود انسان می رسد چه عمل خوب و چه عمل بد.

شاگرد دوم: آخه چطور می شود که کسی به ناموس دیگران خیانت کند و در حقش خیانت کنند؟

استاد: شخصی به لب پشت بام دیگری رفت تا به ناموسش خیانت کند، لعنت خدا بر شیطان کرد و برگشت دید لب بامش کسی آمده و قصد تعرض به کسانش را دارد، فوری گفت آقا آقا من تا لب پشت بام پیش تر یا جلوتر نرفتم تو هم نیا ...

شاگرد اول: استاد این مثال واقعیت داره یعنی شده و اتفاق افتاده؟

استاد: حالا ... مثال و تمثیل است شاید اتفاق افتاده باشد شاید هم نه ولی حتما شبیه این اماجرا بوده که بدست ما رسیده ... وقتی به سراغ دیگری می روی به سراغت خواهند آمد.

شاگرد دوم: آن شخص خیانت کرده گناه کسان او چیست؟!

استاد: مرد نگهبان خانه است وقتی کسی از وظیفه نگهبانی دور شد خود شد سارق ... دزد دیگر از فرصت استفاده کرد و به خانه اش می زند؛ آدم کم کم بی غیرت می شود به وظیفه اش در قبال خانواده اش نمی رسد چون حواسش جای دیگر است ... خب شیطان هم بی کار نمی نشیند ... دزد دنبال مکان بی نگهبان می رود دیگر

شاگرد اول: وقتی شخصی به خواهر دیگران و ناموس او چشم داشته باشد، شیطان به سراغ خواهرش می آید و او را وسوسه می کند.

استاد: نه به این سادگی نیست، یک فرآیندی دارد منظورم این است اگر برادر با خواهرش باشد و به کار او رسیدگی کند و پدر خانواده هم به وضع زن و دختر و پسرش رسیدگی کند، بنیان خانواده محکم می شود و خانواده محکم است و سست نیست.

شاگرد دوم: و خانواه محکم جلوی سیل و زلزله فساد و بی بند و باری مقاوم تر است و به آسانی از بین نمی رود.

استاد: آفرین، پدر که دائم با ماشین دنبال این و آن باشد، دختر و همسرش چه می شود؟ ... آرام آرام ... خراب شدن پدر و برادر را می بینید و اگر سراغ شیطان و دیگری نرود، شیطان و دیگری سراغش می آید- پدر و برادر فاسد دیگر غیرت ندارد جلوی همسر و دختر و فرزندان را بگیرد و اگر بخواهد بگیرد هم، نمی تواند ...

شاگرد اول: چرا استاد؟ چرا اگر بخواهد نمی تواند؟

استاد: دیگر مچش جلوی خانواده اش باز شده و چه می خواهد بگوید؟ ... رطب خورده منع رطب نمی کند

شاگرد اول: یعنی خانواده تغییرات پدر را متوجه می شوند؟ رفتار پدر و پسر مشخص می شود؟

استاد: بله، اتفاقاً آنها شامه تیزی دارند و فوراً تغییر رفتاری را می بینند و پایه های اخلاقی آنها نیز به مرور زمان سست می شود- البته زوایای متعددی دارد این تماماً مثال است تا نزدیک بشویم به اصل موضوع

شاگرد دوم: استاد اگر دختر و زن باغیرت باشند، چی؟ ...

استاد: خب عرض کردم مال بی صاحب و نگهبان بیشتر مورد توجه خیانتکاران است- نگهبان رفته دزدی- خب مال و اموالش بی پاسبان می مانند هر چقدر هم که غیرت داشته باشند- باز مورد توجه و طمع سارقین قرار خواهند گرفت

شاگرد دوم: استاد مثلاً هنگام تاریکی شب، زنی که همراه شوهرش در کوچه خیابان تردد می کند از امنیت برخوردار است ولی زن تنها ضریب امنیت کمتری دارد؟

استاد: دقیقاً، انسان وقتی فاسد شد، خانواده اش هم درگیر می شوند، اصلاً خودش درگیر می کند آنها را- خودش تجهیزات ماهواره می خرد و به خانه می آورد... خودش بیماری را وارد منزلش می کند چون عامل بیماری همراهش هست

شاگرد اول: پاداش کلوخ انداز را سنگ است.

استاد: دست انتقام الهی با حساب و کتاب وارد می شود- گناهکار باید بیدار شود و تنبیه الهی را بچشد تا ببیند خوب است که کسی سراغ ناموس تو بیاید؟ هان؟ آقا پسر سر کوچه دائم دنبال این دختر و اون دختر ...  
۲ تا کوچه اون طرف تر خواهر خودش چه وضعی داره؟ خدا می دونه ... کدام پسر مزاحمشه ... الله اعلم

شاگرد دوم: استاد گسترش بی غیرتی اگر فراگیر شود جامعه چه سرانجامی پیدا می کنه؟

استاد: به پوچی می رسد، علم و دانایی و رشد و ترقی از همه مهمتر، ایمان و بندگی خدا و عمل به تکلیف الهی و انسانی همه و همه زیر سوال می رود ... و جامعه از هم می پاش "د".

شاگرد اول: استاد غیرت یعنی چه؟ و غیرتمندانه چه کسانی هستند در یک جمله؟

استاد: غیرت یعنی از دست اندازی غیر به حریم شخصی اتمتنفر باشی و یعنی تنفر از وارد شدن دیگری به

حریمت در یک معنا و زاویه ... و غیرتمندان کسانی هستند که نه به حریم تو و نه به حریم دیگران وارد نمی شوند و دست اندازی نمی کنند و نه اجازه وارد شدن غیر را می دهند به حریم خصوصی خودشان

شاگرد دوّم: استاد چطور است اگر کسی دست در جیب کسی بکند فوری با طرف برخورد کرده و ناراحت می شود و کلی بگیر و ببند و سر و صدا ... ولی دخترش یا همسرش را آن چنان به کوچه و بازار می آورد که گویی تعصب و غیرت از بین رفته؟ ...

استاد: بخشی بخاطر ضعف در کردار و عمل مرد است چون کرده و دهانش بسته است، بخشی هم بیماری جامعه است که برای مدگرایی و ایده آل شدن زن و مرد دست به هر کاری می زنند- در حالی که قدرت و اراده دیده شدن و زیبا شدن برای پس پرده است تا زندگی ها دوام و قوام پیدا کند و محکم شود- اما مرنج و مرنجان.

شاگرد اوّل: استاد وقت رو به پایان است، فکر کنم نصفه و نیمه ماند بحث و درس امروز.

استاد: خب اشکالی ندارد، کمی از آن می ماند برای فردا- اساتید اخلاق می گویند و می فرمایند مرنج و مرنجان ... شاگرد رو به استادش گفت با تمرین و دقت در زندگی می شود نرنجیم ولی مرنجان کار هر کسی نیست- چرا؟

شاگرد دوّم: خب خیلی مشکل است استاد از دست آدم یه وقتی کاری سر می زند و کسی را از خود می رنجاند.

استاد: یک کلمه مشکل را حل می کند- انسان اگر غرور و تکبر را کنار بگذارد واقعا فکر کند که کسی نیست و هیچ نیست و هر چه هست خداست و خدا و بس دیگر کسی را نمیرنجاند و از کسی هم نمیرنجد- در جلسه بعد این بحث را کامل می کنیم .... والسلام علیکم-